

مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی

Social Components of Islamic-Iranian Urban Planning Pattern

■ حسین کلانتری خلیل آباد^۱، مهدی حقی^۲، محسن دادخواه^۳

چکیده

هدفمند بودن و متعاقب آن تدوین الگو و برنامه‌سازی برای رسیدن به هدف لازمه هر جامعه و اجتماعی است. شهرسازی به‌عنوان مبحثی که بیانگر تأثیر متقابل انسان، فرهنگ، روش زیست و محیط زندگی بر یکدیگر است، در رسیدن به اهداف جامعه اسلامی برای هویت‌مندی و اعتدای فرهنگ و اخلاق مردم نقش مهمی بر عهده دارد و بالطبع تهیه الگویی بومی و بر پایه آموزه‌های اسلامی و متناسب با بستر این الگو که ایرانی-اسلامی است، از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقاله پس از مرور ادبیات جهانی در مورد ابعاد اجتماعی شهرسازی، به تبیین مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی اسلامی پرداخته شده است. مؤلفه‌هایی همچون امنیت، عدالت اجتماعی، بهداشت، همسایگی و غیره بر اساس تعالیم اسلام و سوابق شهرسازی ایرانی اسلامی از جمله عوامل مهم در مباحث اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی اسلامی معرفی شده است و می‌تواند به‌عنوان هدایت‌کننده و راهنمایی برای ایجاد فضاهای شهری اسلامی و ایرانی، افزایش کیفیت زندگی، افزایش تعاملات اجتماعی، مشارکت اهالی در محله، تحقق عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. مؤلفه‌های الگوی شهرسازی اسلامی و ایرانی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان مسائل شهری را از سردرگمی رهایی می‌بخشد و آنچه که برای حیات عادی و معنوی انسان حائز اهمیت است را معرفی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: الگوی شهرسازی ایرانی-اسلامی، مؤلفه‌های اجتماعی، شهرسازی

۱. مقدمه

امروزه نبود الگویی متناسب با بستر اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی کشور و تکیه بر الگوهای وارداتی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را با مشکل روبه‌رو کرده و این موضوع یکی از عواملی است که میزان تحقق اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها را به حداقل رسانده است. بیشتر الگوهای موجود برخاسته از نظام سرمایه‌داری است و جز منافع خود، هدف دیگری را دنبال نمی‌کند. وابسته‌سازی کشورهای در حال توسعه به الگوهایی که سال‌ها توسط کشورهای توسعه‌یافته رد شده از اهداف نظام سرمایه‌داری برای وابسته ساختن کشورها بوده است و آنها با این راهکارها کشورهای در حال توسعه را در سیطره خود قرار داده‌اند.

در بسیاری از مواقع الگوهای رایج تصمیم‌گیری و با به بیان روشن‌تر روش‌های معمول حل مسائل در کشور ممکن است ناکارآمد باشند، یعنی ممکن است در برخی مواقع حتی زیانبار باشند و در ازای حل مسئله، رویکرد مذکور را به کشور تحمیل کنند. واضح است که پذیرش و استفاده از الگوهای رایج جهانی نه تنها نسخه‌ای الزامی و از پیش تعیین‌شده برای تمام فرهنگ‌ها و ملت‌ها نیست، بلکه در بسیاری موارد محل تردید است. این مهم به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که بدون بررسی مبانی و پیش‌فرض‌های این الگوها اقدام به استفاده از آنها می‌کنند، اهمیتی دوچندان می‌یابد. بنابراین به‌نظر می‌رسد جهت دستیابی به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به‌عنوان الگوی مناسب حل مسائل کشور در حوزه‌های مختلف، در ابتدا باید مبانی اساسی الگوی رایج و معمول تصمیم‌گیری در حل مسائل را در ابعاد مختلف بازنمایی کرد و سپس پیش‌فرض‌های اساسی آنها را احصاء نمود و مورد بررسی نقادانه قرار داد تا بالاخره پس از حصول منطبق حاکم بر الگوی فوق، در خصوص استفاده از نقاط قوت این روش‌ها و تطبیق آنها با فرهنگ و شرایط موجود تصمیم‌گیری کرد. بررسی نقادانه الگوهای رایج و مبانی آنها به‌ویژه در کشور ما که آمیج توطئه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و فنی، نظامی و سایر آنهاست، ضروری و بلکه حیاتی به‌نظر می‌رسد (Tabatabaiean et al., 2010, 191).

۲. ضرورت الگوسازی شهرسازی ایرانی-اسلامی پیشرفت

بر پایه تعالیم روحبخش اسلام، جهان هدفمند است و انسان نیز بر اساس حکمت عالی الهی و هدفی معین خلق شده است. اهدافی که محقق شدن آنها نیازمند تدوین و ترسیم مسیر و الگوی نیل به چنین اهدافی است. نبود الگویی برای حرکت در این مسیر موجب سردرگمی و از دست دادن فرصت‌ها و اتلاف امکانات مادی و معنوی جامعه می‌شود. و شاید موضوع مهمی که در خلأ الگوی بومی و متناسب با ساختار فرهنگ خودی روی می‌دهد، تقلید چشمپسته از الگوی حرکت و توسعه دیگران باشد. در مبحث شهرسازی نیز الگوهای رایج در تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهری و دیگر طرح‌های خرد و کلانی که برای شهرهایمان تهیه می‌شود بر اساس الگو و نسخه‌ای بیگانه است که سال‌هاست در خود آن کشورها هم منسوخ شده است (Mahdizadeh, 2003, 406). این در حالی است که پیشینه شهرسازی و معماری در ایران با توجه به قدمت تاریخی کشورمان و مفاهیم برتر اسلامی که در ساختار شهرهای ایرانی پس از اسلام به بهترین شکل در ترکیبی موزون سال‌ها بستر رشد عالمان و مفاهیم ناب اخلاقی و اسلامی را فراهم می‌نمود،

دارای سابقه‌ای روشن و طولانی است.

آگاهی نسبت به تأثیر متقابل انسان، فرهنگ، روش زیست و محیط زندگی بر یکدیگر مورد غفلت واقع شده و با تحت تأثیر تفکر سوداگرانه حاکم بر شهرسازی قرار گرفته است. موضوع مهم هویت که در صورت شکل‌گیری شهر بر اساس مبانی نظری منبعث از ارزش‌های فرهنگی جامعه به تجلی هویت فکری و فرهنگی جامعه و مقابله با بحران هویت کمک فراوانی می‌کند، از دیگر مواردی است که ضرورت الگوسازی شهرسازی ایرانی اسلامی پیشرفت را بیان می‌نماید (Molaei et al., 2011). الگوی شهرسازی اسلامی ایران پیشرفت با گرفتن مبانی خود از فلسفه، انسان‌شناسی و جهان‌بینی اسلامی، در برابر اندیشه غربی است (Mahdavinejad, 2004, 60) که انسان را موجودی تکساختی و مادی قلمداد می‌کند. این الگو به پشتوانه اصل و منشأ خود که مکتب جامع و کامل اسلام و فرهنگ غنی ایرانی است، جامع تمام ابعاد زندگی شهری است و برای هر یک از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و... دارای اصولی مدون بر اساس آموزه‌های مکتب مبین اسلام (Mahdavinejad, 2003, 29) و تاریخچه و توانمندی‌های نیروی انسانی و فرهنگی بستر خود یعنی ایران اسلامی است.

۳. مبانی نظری

هدف از این قسمت بیان جزئیات نظریه‌ها و مکاتب مختلف جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی شهری نیست، بلکه ابعاد و پارامترهای مختلفی که در موضوع جامعه‌شناسی شهری توسط اندیشمندان غربی بیان شده و در کلاس‌های درسی ممالک اسلامی نیز به‌عنوان اصول درست و لایتنیر سال‌هاست (Mahdavinejad et al., 2011a, 119) که مورد تدریس قرار می‌گیرد به اختصار بیان می‌شود. البته باید توجه داشت که از نظریات مثبت هم می‌توان در تدوین الگو بهره برد. کارل مارکس بیان می‌کند که مردم در جوامع سنتی (مقابل صنعتی) به‌صورت تیره‌ای و قبیله‌ای زندگی می‌کردند و در واقع بر بعد مشارکت و شانس‌یودن افراد در جامعه تأکید فراوان دارد. همچنین بیان می‌کند که تکامل اجتماعی انسان تا زمانی که سرمایه‌داری به سوسیالیسم تبدیل شود ادامه خواهد یافت. در افکار و نظریات این اندیشمند که طرفداران فراوانی را هم به‌خود جلب نمود، مسائل برابری و عدالت شاخص جلوه می‌نماید.

فردبناند تونیس در ذیل بیان اصطلاحات گمبیشافت (جماعت) و گزلفاشت (جامعه) می‌گوید در حالی که در جماعت، مردم با وجود همه شاخصه‌های جداگانه یکی شده‌اند، در جامعه، مردم بر خلاف تمام شاخصه‌های واحد از یکدیگر جدا هستند (Fakouhi, 2007, 175).

امیل دورکیم بر ساختار اجتماعی شهر توجه کرد. به بیان وی خودکفایی و انسجام اجتماعی بر اساس همانندی‌ها و شباهت‌ها میان افراد یک جامعه در میان جوامع ماقبل تاریخ و ماقبل کشاورزی عمومیت داشته و همچنان که مدرنیته افزایش یافته، غلبه کمتری پیدا کرده است. نظم اجتماعی بر اساس تفاوت‌های اجتماعی و تقسیم‌بندی پیچیده نیروی کار زمانی که مردم در مشاغل مختلف بسیاری تخصص می‌یابند شکلی جدید از انسجام اجتماعی را بر مبنای استقلال دوطرفه بنا نهاد؛ رابطه‌ای آزاد از انسجام اجتماعی و بر اساس وابستگی‌ای که افراد در جوامع پیشرفته به‌هم دارند. این همبستگی همزمان با افزایش تقسیم نیروی کار در میان جوامع صنعتی متداول است؛ اگرچه افراد وظایف مختلفی را انجام می‌دهند و اغلب ارزش‌ها و علاقه‌های مختلفی دارند ولی نظم و بقای جامعه به اعتماد آنها به یکدیگر

برای انجام وظایف خاصشان بستگی دارد (Fakouhi, 2007). (177)

به عقیده گنورگ زیمل^۱ ویژگی منحصر به فرد شهر مدرن نشدید محرک‌های عصبی است که ساکنان شهر باید با آن کنار بیایند. از زندگی روستایی که ریتم زندگی و تصاویر حسی آرام‌تر، عادی و متعادل است تا شهر که تحت بمباران مداوم مناظر، صداها و بوها قرار دارد. فرد یاد می‌گیرد که تبعیض قائل شود؛ منطقی و حسابگر شود؛ رویکرد بی‌نقوتی را - مبنی بر اینکه امور حقیقی و آشنا هستند - گسترش دهد؛ رفتارهایی مانند کنارگیری از خود نشان داده، به جای قلب با سر پاسخ دهد. او همچنین به بی‌نقوتی افراد در چنین جامعه‌ای اشاره می‌کند. از سویی ماکس وبر^۲ جامعه شهری را یک گونه ایده‌آل توصیف کرد که مستلزم موارد زیر است: ۱) روابط تجاری-بازرگانی مانند بازار؛ ۲) قانون و دادگاه مستقل؛ ۳) استقلال نسبی سیاسی؛ ۴) خودکفایی نظامی و خوددافندی و ۵) اشکال انجمن‌ها یا مشارکت اجتماعی که افراد توسط آنها در روابط و سازمان‌های اجتماعی درگیر می‌شوند. وی اشاره نمود که به جای اینکه شهر خود علت تمایز کیفیت زندگی شهری باشد، شهرها به فرآیندهای بزرگ‌تری مانند جهت‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی مرتبط هستند. یعنی شرایط فرهنگی و تاریخی گوناگون باعث پیدایش انواع مختلف شهر می‌شود.

رابرت ازرا پارک^۳ (۱۸۶۴-۱۹۴۴) شهر را به‌عنوان یک ارگانیک اجتماعی با بخش‌های متمایز تصور نمود که این بخش‌ها با یک فرآیند درونی و نه بی‌نظمی و هرج و مرج بهم پیوند خورده‌اند. به عقیده وی جامعه انسانی (شهر) در دو سطح سازمان‌دهی شده است: ۱) حیاتی با همزیستی (زیرساخت)؛ برخاسته از رقابت که ساختار شهر از رقابت ساکنان برای منابع کمیاب ناشی شده است؛ ۲) فرهنگ (روینا)؛ برخاسته از ارتباط و وفاق جمعی و نوعی شیوه زندگی در شهر که پاسخی انطباقی به سازمان شهری بوده و ناشی از سطوح حیاتی (زیستی) است. در شهر فرهنگی این شیوه زندگی با همکاری میان بازیگران آن حفظ شده است.

یک جامعه وابسته به همزیستگری بر بنیاد رقابت و یک جامعه فرهنگی بر ارتباط و وفاق جمعی استوار است. همچنین پژوهش‌های معاصرتر در ایالات متحده نشان می‌دهد که میزان پردبازی (سطح تحمل بک‌دیگر) در شهر بیشتر به سطح تحصیلات، رفاه و تفاوت‌های منطقه‌ای بستگی دارد. گمنامی و حریم برای ساکنان شهر مهم است. این دیدگاه نگرشی را تشویق می‌کند که می‌گوید زندگی کن و بگذار زندگی کنند. با وجود شهرهایی که گزینه‌هایی از انواع روابط را تشویق می‌کنند، پیوندهای بسیاری گمنام بودن را نسخ می‌کند برای مثال پیوندهای قومی، خویشاوندی، سکونت، شیوه زندگی و دیگر علایق مشترک و پیشرفت‌هایی که اتصال‌های شهری را برمی‌انگیزد؛ مانند تلفن، ایمیل و غیره. آسیب‌شناسی شهری علل محتمل دیگری دارد، مانند فقر، بیکاری و تبعیض نژادی، انسان توانایی فوق‌العاده‌ای برای انطباق دارد. میان رفتار عمومی و زندگی شخصی ساکنان شهر تفاوت وجود دارد (Dodangeh, 2010).

ایده مرکزی اقتصاد سیاسی بر نظریات جامعه‌شناختی شهر مبتنی است: ۱) تعارض اجتماعی میان گروه‌هایی که از لحاظ منافع با موقعیت اجتماعی در رقابت بهسر می‌برند یک فرآیند اجتماعی فراگیر است. ۲) سرمایه‌داری مانند یک سیستم مهم قدرت بر توسعه جوامع شهری-صنعتی مدرن تسلط دارد. ۳) جوامع شهری یا کلان‌شهری اکنون به‌طور فزاینده‌ای توسط سیستم گسترده اقتصاد جهانی در حال ظهور، کنترل شده و شکل داده می‌شود. ۴) تلاش برای نهادینه نمودن روابط ائتفاقی میان روند کلی اقتصاد کلان با گروهی از مشکلات اجتماعی شهری در

سطحی از جامعه‌شناختی خرد جامعه محلی یا همسایگی شهری قرار دارد. به عقیده دیوید هاروی امروزه تمرکز بر تجمع و گردش سرمایه است. در واقع محیط شهری ساخته، تخریب و دوبارسازی می‌شود تا اجازه گردش مؤثرتر سرمایه را بدهد و تولید و تجمع بیش از اندازه کالاهایی سودآور است که سبب توسعه شهری می‌شود. این امر به ساخت خانه‌های فردی حومه‌ای و دیگر اثرات سوء بر جامعه شهری می‌انجامد. آلن اسکات نیز بیان می‌دارد که نظم و ساختار شهر توسط نیازهای تولید صنعتی معین می‌شود (John Scott, 2004).

رشد ایدئولوژی ماشینی سبب شد که حکومت محلی، شهر را نه به‌عنوان مکانی که مردم در آن زندگی و کار می‌کنند و دارای روابط اجتماعی هستند، بلکه تنها به‌عنوان مکانی ببیند که لازم است در آن یک فضای خوب تجاری ایجاد نمود (Dodangeh, 2010).

جامعه‌شناسی معاصر غرب با بی‌خوچی به روندهای اساسی زندگی اجتماعی گرفتار کثرت‌گرایی (پلورالیسم) شده است؛ زیرا نخبه‌ها و مکتب‌های متعدد و متنوع اما بی‌ارزش را بیان نهاده است.

جامعه‌شناسی علمی غرب جانبدار و در خدمت منافع انحصارطلبان است. «اغلب جامعه‌شناسان غربی (حتی بزرگانی چون لازارسفلد، مرتنوتالکوت پارسنز) خود را دانشمندانی آکادمیک تصور می‌کنند که به سود علوم خالص که کوچکترین ارتباطی با سیاست ندارد به تحقیقات نظری و تجربی مشغول‌اند، اما تحقیقات علمی اینها سرانجام در خدمت منافع گروه‌های حاکم جوامع سرمایه‌داری قرار می‌گیرد» (Kamrani, 1974).

از دیگر نظریات جامعه‌شناسان غربی می‌توان به بحث واحدهای همسایگی و محله اشاره کرد که با توجه به قرینه این مفهوم در فرهنگ دینی و ملی کشورمان قابل بررسی است. اساس طرح واحد همسایگی مربوط می‌شود به کلرنس پری که طی دهه ۱۹۲۰ در آمریکا به آن شکل داد (Shi'e, 1996)، آن هم به‌عنوان روشی که به‌صورت سیستماتیک نواحی شهری را سازماندهی کرده و توسعه می‌دهد. طرح از طریق طراحی کالبدی تعریف می‌شود ولیکن اهداف اجتماعی مشخصی مانند تعامل همسایگان، خلق باهمستان، هویت محله‌ای و تعادل اجتماعی را دنبال می‌کند.

از دیدگاه متخصصان سه هدف مهم مرتبط در خلق واحد همسایگی نقش دارد: ۱) واحد همسایگی به‌عنوان عامل هویت‌بخش تعریف می‌شود و در شکل‌دهی با ارتقای حس مکان نقش دارد؛ ۲) واحد همسایگی یک شیوه عملی-تجربی برای برنامه‌ریزی سطوح شهری است؛ ۳) واحد همسایگی خلق می‌شود تا نواحی با تعامل بیشتر اجتماعی پدید آید. معمولاً واحدهای همسایگی به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که طرح، شکل و عملکردشان به خلق باهمستان منجر گردد (Pakzad, 2010).

بررسی نظرات مختلف در مورد واحد همسایگی بیانگر این موضوع است که حرکتی در جهت نزدیک کردن اجتماعات مردمی به بک‌دیگر مطرح شد که همان هم با انتقادات طراحان و تصمیم‌گیران شهری روبرو شد (Mahdavejrad & Mashayekhy, 2011, 70). در واقع رشد و نفوذ مفهوم جهانی‌سازی که در تمام ابعاد زندگی اعم از اقتصادی، تکنولوژیکی تا مباحث نظری و فرهنگی همچون آداب و رسوم در کنار بازاری قدرتمندی همچون سرمایه‌داری، راهی را پیش روی بشریت نهاده که روزبه‌روز به فاصله گرفتن از ارزش‌های عام انسانی و الهی می‌انجامد و زندگی را به تنازعی برای بقا تبدیل نموده است.

بررسی آراء و نظرات جامعه‌شناسان غربی و مؤلفه‌هایی که برای یک جامعه ایده‌آل عنوان کرده‌اند، تماماً بر پایه بررسی و

فرمانروایی معرفی کرده است.^{۱۱} تعریفی که ابعاد کیفی و کمی را توأمان شامل می‌شود. همین اطلاق و عموم اوامر شدیداً مؤکد الهی درباره عدالت اجتماعی کافی است تا ثابت کند که اعتقاد و التزام به اولویت و جوب عدالت اجتماعی بر سایر تکالیف اجتماعی یکی از دو رکن اصلی نظام تشریحی جامعه و حاکمیت اسلامی در تمامی ادوار و زمان‌ها است و بدون آن سخن گفتن از جامعه اسلامی بی‌معناست. جامعه اسلامی مطلوب، جامعه عدالت‌محور است. در این جامعه، بی‌وقفه تلاش می‌شود عموم انسان‌ها هر یک امکان استفاده از رشد و هدایت لازم را در حد ظرفیت و توان خویش کسب کنند؛ جامعه‌ای که افزایش سرعت و گشودن مرزهای جدید در عرصه‌های مختلف اجتماعی را همواره بر محور «عدالت اجتماعی» قرار می‌دهد و «تعالی» را شاخصه اصلی حرکت اجتماعی به‌شمار می‌آورد. بدین است این تعادل هم به جنبه‌های مادی و هم به جنبه‌های معنوی انسانی و اجتماعی، نگرشی دوجانبه و هم‌زمان با یکدیگر دارد. بر پایه این نظریه، جامعه مطلوب اسلامی نمی‌تواند معیارهای کمی شمارش درجات پیشرفت و توسعه را آنچنان که رایج است ملاک و معیار پیشرفت اسلامی قرار دهد. بررسی جامعه‌شناختی جوامع در دوران معاصر نشان می‌دهد که تأثیرگذارترین مقولات کاربردی و کمی در تعیین وضعیت و سرنوشت اجتماعی آحاد و مجموع جامعه، سه مسئله «فرصت‌ها»، «ظرفیت‌ها»، «توانمندی‌ها» است و بخش اصلی عدالت اجتماعی و فرار گرفتن هر فرد و جامعه‌ای در موقعیت کنونی‌اش تابع برآیند این سه مسئله است و به‌نظر می‌رسد که نقطه تعیین وضعیت عادلانه برای هر فرد و جامعه‌ای، تساوی و برابری در فرصت‌ها و رشد ظرفیت‌ها و به‌کارگیری توانمندی‌ها است (Nabavi, 2011, 265-270).

در دیدگاه فلسفه و متفکران اسلامی، عدالت اجتماعی عبارت است از «ایجاد شرایط یکسان برای همه به‌طور یکسان و رفع موانع برای همه به‌طور یکسان» (Motahhari, 2002) به‌عبارت دیگر ایجاد شرایط و رفع موانع برای همه به‌طور یکسان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، معرفتی و منزلت‌های اجتماعی همان عدل جمعی است.

در عدالت اجتماعی اسلام (Ansari et al., 2012) هرچند تفاوت پذیرفته شده، اما تبعیض مردود است. برابری همه انسان‌ها، صرف نظر از تعلقات قومی و نژادی و طبقاتی مفروض گرفته شده است. همه از حق حیات، حق مالکیت، آزادی، حق بیان، حق انتقاد و حق انتخاب شیوه زندگی برخوردارند و نقض این حقوق ظلم است. اصل درخشان «عدم ولایت انسان بر انسان»، اصل لاضرر، اصل انصاف، اصل لاجرح که قواعد مادرند، شمول و عمومیت دارد و همه در اصل عدالت ریشه دارند (Asghari, 2011, 51).

توانمندسازی یکی از راه‌های تحقق عدالت اجتماعی است که به‌وسیله آن می‌توان به‌سوی عدالت اجتماعی گام برداشت. در تحلیل عدالت اجتماعی، فقر همواره پلین بودن درآمد نیست، بلکه محرومیت از امکانات و قابلیت‌ها نیز «فقر» به‌شمار می‌آید. بر این مبنا گسترش توانمندی‌های انسانی و فرصت‌های اجتماعی برابری، عدالت اجتماعی را محقق می‌سازد.

۴.۴. مشارکت مردمی

در فرهنگ فارسی واژه مشارکت به‌معنای شرکت کردن و انبازی کردن آمده است (Moein, 1983, 4136). همچنین در لغت‌نامه دهخدا مشارکت از نظر لغوی از نازی شراکت، انبازی، حصصداری و بهره‌برداری تعریف شده است (Dehkhoda, 1993, 46).

میزان مشارکت مردم در شهر نقش مهمی در تحقق طرح‌ها ایفا می‌کند. از لحاظ تاریخی اسناد و مدارک بسیاری از حضور و

تحلیل جامعه غرب و از اصول حاکم بر این جوامع ناشی می‌شود، نتیجتاً کاربست این اصول در جوامعی که به لحاظ محتوایی شباهتی با این ظرف ندارند و به تبع آن و عقلاً قابلیت پذیرش و هضم چنان مضر و بی‌فایده را هم نمی‌توانند داشته باشند، کار نادرستی است. علاوه بر آنکه جامعه غرب نیز که بر پایه همین اصول تحلیل شده و بر اساس همین اصول مورد عمل مدبران و تصمیم‌گیران این جوامع قرار گرفته، امروز دچار وضعیتی است که به گفته خود اندیشمندان معاصر غرب، جامعه‌ای سرمایه‌داری و عاری از احساسات انسانی گشته است. چنانچه نمی‌توان شهر غربی را به مفهوم واقعی کلمه شهر اجتماعی خواند و اصطلاح شهر بازار بیشتر براننده چنین جامعه دنیازده‌ای است. جامعه‌ای که روابط انسان‌ها در آن تنها بر پایه تخصص و کار انفرادی تعریف شده و مفهوم سود و یا بخش نا زنده بمانی در این جوامع فرصت هرگونه رشد و تعالی انسانی را که منظور نظر تمام ادیان الهی و تمام ایدئولوژی‌های بشردوستانه و انسانی است، گرفته است.

۴. مؤلفه‌های اجتماعی در الگوی شهرسازی اسلامی-ایرانی

دین اسلام به مسائل اجتماعی توجه خاصی دارد و فقط جنبه‌های فردی را مورد بررسی قرار نمی‌دهد.^۴ راه رسیدن به سعادت را در تشکیل جامعه‌ای اسلامی دانسته^۵ و تغییر و رشد در یک جامعه را نتیجه تصمیم‌گیری‌های و فعالیت‌های همه مردم آن جامعه برمی‌شمارد. در قرآن کریم آمده است خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر خودشان بخواهند.^۶ مسائلی همچون مشارکت مردمی، عدالت اجتماعی و مؤلفه‌هایی از این قبیل که در بعد اجتماعی قرار دارند در آیات و احادیث مورد تأکید قرار گرفته‌اند.^۷ از طرفی در تاریخ ایران از گذشته‌های دور تاکنون مسائل اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است و مردم در ساخت شهرها و به‌خصوص بناهای عمومی نقش به‌سزایی داشته‌اند. فرهنگ عدالت‌خواهی در اشعار ایرانی و داستان‌هایی همچون ضحاک-کاو و داستان‌های دیگر به‌وضوح قابل مشاهده است. بنابراین یکی از ابعاد الگوی شهرسازی ایرانی-اسلامی پیشرفته، بعد اجتماعی است که مؤلفه‌هایی همچون عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی و غیره را در خود جای داده و به دنبال تحقق آنها در شهرها است.

۴.۱. عدالت اجتماعی

ابتدا به‌طور مختصر به اهمیت عدالت اجتماعی در دین مبین اسلام پرداخته می‌شود، سپس دیدگاه فلسفه و متفکران اسلامی پیرامون این مهم ارائه می‌گردد.

خداوند تنها در دو مقام علاوه بر صیغه امر، دستور تشریحی خود را مستقیماً یا به‌کار بردن ماده امر بیان کرده است: نخست امر به پرستش او؛ و دوم امر به عدالت و قسط (Mahdaveinejad et al., 2011b, 99). افزون بر این معمولاً امر به عدالت و قسط در کلام الهی مؤکد به تأکیدانی فراتر از دیگر موارد است. از این‌رو به‌جاست که در منطق قرآن کریم پس از ایمان و اعتقاد و پرستش پروردگار متعال، عدالت اجتماعی را مهمترین مسئله حیات بشری تلقی کنیم. از سوی دیگر به دلیل تصریح خداوند بر اینکه او برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده^۸ و به قرینه ملازمه مکرر میان میزان و قسط در بیان الهی^{۱۱} عدالت اجتماعی نزد خداوند بیش از هر مقوله دیگری مبتنی بر اندازه‌گیری و محاسبه است و به ارزیابی کمی نزدیک است (Pourjafar & Dehghani, 2011, 81-94). امام علی (ع) نیز عدالت را معیار، انصاف، جوهر زندگی، قوی‌ترین بنیان، بالاترین بی‌نیازی، بهترین داور، اصلاح و رستگاری و استواری امور مردم و نظم‌دهنده

دنبال آن بوده و هستند. «امنیت» یعنی آرامش داشتن و احساس خطر نکردن که در ابعاد مختلف قابل بررسی است. امنیت اجتماعی شامل امنیت احترام و آبرو، امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت مسکن و شغل و امنیت اخلاقی است (Mazinani, 2009, 36).

موضوع امنیت در شهرسازی اسلامی و به‌خصوص در شهرسازی ایران پس از اسلام از جمله مؤلفه‌های مهم به‌شمار می‌آید و راهکارهای کالبدی و اجتماعی فراوانی جهت تقویت امنیت در سطح شهر و محله‌ها به‌کار گرفته می‌شده است. از جمله می‌توان به سلسله‌مراتب معابر شهری از راسته اصلی تا رسیدن به فضای هشتی که مختص چند خانوار بود اشاره کرد. در برخی مناطق هم علاوه بر باروی پیرامون شهر، محلات هم دارای برج و دروازه مخصوص خود بودند، از جمله در شهر یزد.

در کنار راهکارهای کالبدی برای ارتقای امنیت، توجه به مؤلفه‌هایی همچون حریمیت، غریب‌گز بودن محله و همبستگی و همدلی میان ساکنان محله که برخاسته از ویژگی‌های مشترک در محله‌بندی شهرهای اسلامی است، مورد نظر بوده است.

۴.۲. تعاملات مردمی

اسلام، به رفتارهای اجتماعی بسیار اهمیت می‌دهد و این مهم به‌وضوح در آیات و احادیث دیده می‌شود. اساس اجتماعی دین اسلام را می‌توان بر مهوروزی، محبت، کمک به مردم، احسان و رفتاری متناسب با کمالات اخلاقی دانست. امام علی (ع) می‌فرماید «با مؤمنان با ایتار رفتار کن و با سیر مردم یا انصاف»^{۱۹} امام صادق (ع) نیز می‌فرماید «مدت زندگی مردم بیشتر با احسان و نیکوکاری‌شان تعیین می‌شود تا با عمر مقدر و بیش از آنکه بصیبت فرار سیدن اجل خود بمیرند بر اثر گناهان خویش می‌میرند»^{۲۰}

تعاملات اجتماعی نیازمند آموزش بوده و بر اساس دستورات اسلامی قابل تدوین است. تعالیم اسلامی در گسترش تعاملات سازنده بسیار تأثیر گذار است. امام علی (ع) می‌فرماید «شادی مؤمن در چهره او، قوت او در دینش و اندوه او در دلش است»^{۲۱} و از طرفی رفتار صحیح اجتماعی جامع‌های سالمی را به‌همراه خواهد داشت.

۴.۳. هم‌محله‌ای

امام صادق (ع) حسن هم‌جواری را دلیل آبادانی شهرها و زیادی عمر برمی‌شمارد.^{۲۲} حضرت صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمودند «هر چهل خانه همسایه باشند، از برابر و از پشت سر و از راست و چپ (یعنی از چهارطرف تا چهل‌خانه همسایه هستند»^{۲۳} این مفهوم در فرهنگ ایرانی محدوده محله را مشخص می‌کند.

۴.۴. همسایگی

همسایه در اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است و پیامبر اسلام (ص) فرمودند «جبرئیل در مورد حقوق همسایه چنان به من سفارش می‌کرد که من پنداشتم همسایه از همسایه اربت خواهد برد»^{۲۴} امام صادق در مورد حقوق همسایگان می‌فرماید «مؤمن کسی است که همسایه‌اش از ستم و آزار او آسوده باشد»^{۲۵} پیامبر (ص) در مورد اهمیت و نقش همسایه‌ها می‌فرماید «مؤمن نیست کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد»، و فرمود «اهل یک آبادی که شب را بگذرانند و در ایشان گرسنه‌ای باشد روز قیامت خداوند به آنها نظر رحمت نیفتد»^{۲۶} همسایه‌ها در اسلام رابطه نزدیک و تنگاتنگی با هم دارند و رسول خدا مسلمانان را به امانت دادن وسایل خود

مشارکت فعالانه مردم در امور شهرها وجود دارد. ساخت تخت جمشید و بناهای تاریخی، جنبش مشروطه، ساخت مساجد و حسینیه‌ها، انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس نمونه‌های بارزی از مشارکت مردم در امور گوناگون است.

امروزه یکی از راهکارهای مؤثر در حوزه مدیریت که در قالب مدیریت استراتژیک، آینده‌نگر و مشارکتی متجلی می‌شود، استفاده از استعدادها، پتانسیل‌ها و سرمایه‌های فکری، فیزیکی و مالی بخش خصوصی و مردم است که از طریق ایجاد ارتباطات و تعاملات مفید کارساز و برنامه‌ریزی کارشناسانه قابل تحقق است و از این طریق می‌شود مسئله کارآیی، اثربخشی و بهره‌وری که پیامد آن کاهش هزینه، افزایش درآمد و بهینه‌سازی عملکردها است را مدیریت نمود و زمینه‌های پایداری مدیریت شهری را فراهم کرد (Imani Jajarmi et al., 2002, 97).

در اسلام بر مشورت و همفکری تأکید بسیاری شده و در آیات متعدد قرآن به مشارکت در موضوعات مختلف اشاره شده است. برای نمونه «وضعیت و سرنوشت جامعه به وضعیت مردمش و عملکرد آنها بستگی دارد»^{۱۲} «هدف از ارسال پیامبران و کتاب آسمانی این است که مردم قسط به‌جا دارند و برای عدل به‌جا خیزند»^{۱۳} «مشاوره در امور جامعه اسلامی امری نهاده است»^{۱۴} و «در نظام اسلامی اصل بر نفی تمرکز عنوان و اموال در دست یک فرد و گروهی خاص است» همین‌طور در آیات ۶۳ و ۶۴ سوره نور مشارکت به‌گونه ذیل تبیین می‌شود: (۱) در هر کار یا فعالیت مهم عموم مردم باید حضور یابند و تعاون و همکاری لازم است؛ (۲) عامل مشارکت و تعاون را باید در ایمان به خدا جست و عدم مشارکت بی‌ایمانی را نشان می‌دهد؛ (۳) دستور به مشارکت در امور ضروری و جمعی تنها ناظر به مبدأ و آغاز تصمیم نیست، بلکه این دستور ناظر به بقای آن هم هست؛ (۴) در مسئله تصمیم‌گیری غیبت یک نفر هم آسیب‌رسان است و به هدف نهایی خدشه و لطمه می‌زند؛ (۵) خداوند امور مشارکت را از بسیاری امور دیگر مهمتر می‌داند و نیز مصالح جمعی بر مصالح فردی مقدم است؛ و (۶) در صورت ترک امور مشارکتی آفت و آسیب وارد خواهد شد.

ایران از اول بنای سیاسی خود، حکومتی مجمع الاقوام داشته است. به‌همین دلیل به‌عنوان اولین حکومت جهان دارای مشارکت بین دولت و ملت بوده است. حکومت هخامنشی و قبل از آن مادها مظهر چنین مشارکتی بوده‌اند (Fayyaz, 2002, 57). نقش و جایگاه مساجد و فضاهای مذهبی در شکل‌گیری نظام کالبدی و اجتماعی شهرها و محلات شهری تأثیر بسزایی داشته که امروزه دستخوش تغییر شده است (Pour Ja'far, 2012).

۴.۵. امنیت

شهر باید مکانی امن باشد که مردم در آن احساس اطمینان خاطر و امنیت کنند. «ایمان و مؤمن نیز از ریشه امن‌اند»^{۲۵} (Fārābī, 1975) که نشانگر تأثیر ایمان مردم بر گسترش امنیت در شهرها است. امنیت یکی از مختصات معنوی مهم جامعه اسلامی است که می‌توان آن را در زمینه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داد. رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید «هر کس نشن سالم است و در جماعت خویش اِمن است و قوت روز خویش دارد سراسر جهان مال اوست»^{۱۶} و امنیت و سلامتی را دو نعمت معرفی می‌فرماید که قدر آنها نامعلوم است.^{۱۷} امنیت از نیازهای اصلی فرد و جامعه برای احساس سلامت، راحتی، آسایش و سعادت است تا جایی که حضرت ابراهیم (ع) از درگاه الهی می‌خواهد که مکه را شهری امن قرار دهد^{۱۸} (Naghi, Zade, 2006, 368).

«امنیت اخلاقی» دغدغه‌ای است که همه جوامع و مکاتب به

وضع نموده است. رسول خدا (ص) مسلمانان را از نظر کردن در خانه و اشراف بر خانه همسایگان نهی کردند.^{۴۳}

۷.۴. بهداشت

مکتب اسلام با تحریم خبائث و پلیدی‌ها و حلال کردن پاکیزگی و پاکیزه‌ها و قاعده حفظ اعتدال، راه رسیدن به این مقصود را فراهم ساخته است. برخورداری از بهداشت و سلامتی یکی از حقوق مسلم فردی و اجتماعی است که در دین اسلام به صورت تکلیف وجوبی، حرمتی، استحبابی و با مکره‌هی گنجانده شده است. جامعه موفق جامعه‌ای است که جسم و روان مردم آن سالم باشد. سلامت جسم و روان مهمترین ابزار تکامل انسان است و از دیدگاه اقتصادی نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است (Khorasani, 2005, 3-7).

پیامبران الهی از جمله پیامبر اعظم اسلام (ص) در این زمینه تلاش بسیاری داشته‌اند، به موضوعات مختلفی از جمله طهارت و نظافت پرداخته و اشیاء و مواد پاک و آلوده را به بشر معرفی کردند. در سیره و سخن پیامبر گرامی (ص) مطالب ارزشمندی در زمینه طهارت و نظافت به چشم می‌خورد که می‌توان به «پاکیزگی نیمی از ایمان است»، و «نماز بدون طهارت قبول نمی‌شود» اشاره کرد. نظافت بدن، دهان، دندان، بینی، لباس، خانه، لوازم زندگی، کوچه، محل رفت و آمد، فضای کار و تحصیل و عبادت (نظافت مساجد، مدارس و مراکز تجمع مسلمین) از امور مهمی است که مورد توجه ویژه اسلام قرار گرفته است. شواهد فراوانی از قرآن و سنت و سخنان عترت پیامبر (ص) و روش زندگی آنان و سیره مسلمانان در زمینه توجه و مراقبت بر طهارت و نظافت وجود دارد (Mahdipour, 2006, 11). تأکید درباره بهداشت شخصی و اجتماعی در میان مسلمانان نتیجه تأثیر مستقیم تعلیمات فقه اسلامی بوده است (Bi Azar, Shirazi, 1993, 78). مسلمانان صدر اسلام در سایه تربیت نبوی (ص) در قرون نخستین آنگنان به پاکیزگی عادت کردند که یک نویسنده اروپایی در گزارشی از آن روز مسلمانان چنین می‌نویسد «مسلمان اگر یک دینار بیشتر در دست نداشته باشد، حاضر است غذا تهیه نکند و با آن پول صابون خریده، پاکیزگی و نظافت خود را تأمین نماید» (Mahdipour, 2006, 11). بر اساس سوره مائده ۴۳ فلسفه آفرینش آب و نزول باران، پاکیزگی و نظافت ظاهر و باطن انسان شمرده شده است. گرچه زندگی بدون آب امکان‌پذیر نیست، ولی خداوند در سوره انفال آیه بازردهم، چهار هدف برای نزول باران بر شمرده است که یکی از آنها پاکیزگی مسلمانان است.^{۴۴}

بعد عبادی و قصد قربت در این اعمال سبب آثار معنوی و ارتقای مقام بندگی است، ولی آثار دنیوی و اجتماعی این امور نیز قابل انکار نیست. رسول خدا (ص) همکاری و تلاش جمعی را راه رسیدن به پاکیزگی برمی‌شمرد و می‌فرماید «بهشت سرای پاکیزگان است و باکی جسم و جان و محیط و فضای زندگی عزم همگان را می‌طلبد»^{۴۵} و از طرفی امام صادق (ع)^{۴۶} نظافت و همکاری تمامی افراد جامعه را مسبب ایجاد بهداشت اجتماعی برمی‌شمرد.

نظافت و پاکیزگی در اسلام جنبه‌های مادی و روانی به‌همراه دارد. رسول اکرم (ص) شخصاً به پاکیزگی علاقه فراوان داشت به باران و پیروان خود تأکید می‌کرد که سر و صورت، جامه و خانه‌هایشان را تمیز نگه دارند (Kovsha, 2007). از سوی دیگر پاکیزگی را راه رسیدن به زیبایی بر شمرده و آن را از اوصاف الهی می‌دانستند و فرمودند «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، بخشنده است و بخشش را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد».^{۴۷}

به همسایگان سفارش فرمودند و عاریه ندادن آنها را گناهی بزرگ بر شمرند.^{۴۸}

رفتار همسایگان با هم در احادیث بسیاری سفارش گردیده است و رسول خدا احترام به همسایه را مانند احترام به مادر لازم دانسته و از سویی رفتار نادرست با همسایگان هم به شدت نفی شده و عذاب الهی را به‌همراه دارد.^{۴۹} در فرهنگ ایرانی هم همسایه‌داری جایگاه با ارزشی است که متأسفانه امروزه به‌خصوص در شهرهای بزرگ بی‌اهمیت شمرده می‌شود که این امر در شیوه معماری دوره‌های مختلف دیده می‌شود. همسایگی از دیدگاه قرآن و احادیثی که ذکر گردید، پایه و بستر شکل‌گیری امنیت،^{۵۰} آسایش و رفاه،^{۵۱} احترام به حریم دیگران،^{۵۲} بهداشت،^{۵۳} عدالت اجتماعی^{۵۴} و آبادانی^{۵۵} است (Netijanti, 2009).

در منابع اسلامی «بردیاری نشان دادن در مقابل آزار همسایگان» از نشانه‌های انسان باایمان و همسایه خوب و خوش‌رفتار معرفی شده است. در روایتی آمده که رسول اکرم (ص) فرموده است «سه کس هستند که خداوند آنان را دوست می‌دارد... سوم مردی که همسایه‌اش او را آزار می‌دهد، ولی او اذیت وی را تحمل می‌کند تا مرگ یا سفر بین آنان جدایی افتند...»^{۵۶} (Goli Zavvareh, 2005, 51) رسول خدا (ص) از سویی همسایه خوب را راه رسیدن به سعادت و زیادت عمر بر شمرند.^{۵۷}

۵.۴. آرامش و آسایش

آسایش و آرامش در محل سکونت در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.^{۵۸} در احادیث بسیاری خانه بزرگ سعادت شمرده شده است و می‌توان مهمترین دلیل این امر را در آرامش و آسایش آن دانست.^{۵۹} البته لازم به ذکر است اعتدال در اسلام جایگاه بالایی دارد و خانه بیش از حد بزرگ مورد نقد قرار گرفته است به‌گونه‌ای که امام صادق (ع) فرمودند «هر ساختمانی که بیش از حد کفایت باشد در آخرت بر صاحبش وبال خواهد بود».^{۶۰} در دیدگاه امام علی (ع) نبود آسایش و رفاه برای مردم احساس کمبود دائمی را سبب می‌گردد.^{۶۱}

۶.۴. حریمیت

در لغت‌نامه دهخدا حریمیت، محرم‌بودن، محرمی، رازداری، خویشی و در معنی محرم آمده است «محرم» کسی که اذن دخول در حرم و خانه شخصی را دارد. خویشاوند، خویش؛ آشنا؛ اهل سر و آنکه در نزد وی بتوان راز را به ودیعه گذاشت. معتمد، ندیم؛ مقرب؛ خودی؛ رازدار؛ حریم؛ پناهگاه؛ خانه شخص و اطراف آن که از تعرض دیگران در پناه است. فرهنگ دکنر معین هم واژه حریمیت را به محرم بودن تعبیر کرده است.

با توجه به بیانات فوق می‌توان عنوان داشت که مراد از حریمیت در فضای معماری و شهرسازی، کالبد دادن به فضای به‌گونه‌ای است که دارای حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد. حریم داشتن در حوزه کالبدی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل خواهند داد و ابعاد اجتماعی را شامل شده و آرامش را در فرد پدید می‌آورد. در سوره مبارکه نحل خداوند می‌فرماید «خداوند از خانه‌هایتان جلی را برای آرامش شما قرار داد».^{۶۲} در این بخش بیشتر تأکید بر روی بخش معنایی و ثمرات اجتماعی این مؤلفه است. مؤلفه مذکور در شکل‌گیری عرصه‌های امن و آرام در جامعه اسلامی- ایرانی متمرکز شده خواهد بود و کیفیاتی از جمله آرامش و آسایش را به‌همراه دارد (Seifian et al., 2007). از سویی از ایجاد و گسترش فضا و نگاه گناه‌آلود جلوگیری می‌کند. کشور ما بر خلاف بسیاری از کشورها به این امر بسیار اهمیت داده و قوانینی را برای این مهم

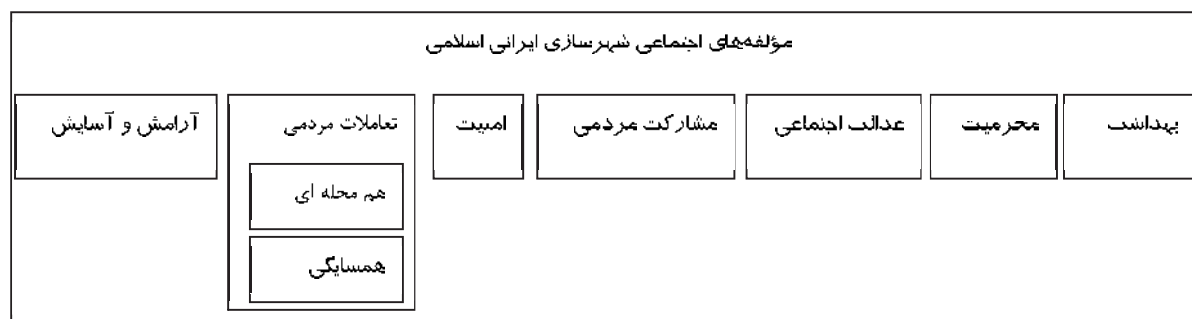
نتیجه‌گیری

ندوبین الگوی ایرانی اسلامی که به تعبیر مقام معظم رهبری در حکم ریل‌گذاری نظام است، در دهه چهارم انقلاب یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در این الگو برخلاف الگوهای غربی، مسائلی از جمله بعد روحانی انسان و اینکه این الگو خواستار تحقق حیات طیبه است که انسان در آن خلیفه خداست، مطرح می‌شود.

در این مقاله با تأکید بر شهرسازی الگوی ایرانی اسلامی، بعد اجتماعی این الگو مورد بررسی قرار گرفت و به استناد آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و سوابق شهرسازی گذشته ایران، مؤلفه‌های این بعد معرفی گردید.

شهر ایرانی و اسلامی، شهری است که رفتارهای اجتماعی توسط مردم و با مشارکت آنان صورت گرفته و در تفکرات و اندیشه‌های مردم راه یافته، نظارت عمومی در چنین فضایی شکل یافته و محیط تعاملی گسترش پیدا کرده است و در این میان اهالی شهر برای شهر و شهر در خدمت ساکنانش است. مؤلفه‌هایی همچون تعاملات اجتماعی، امنیت، بهداشت و غیره در صورتی ایجاد می‌گردد که توسط مردم و با نظارت و همکاری آنان بر اساس اندیشه‌ها و عقایدشان صورت یابد و این عامل تأثیر به‌سزایی در معاصر سازی محیط، جلوگیری از فرسودگی‌های کالبدی، رونق اقتصادی، حمایت اهالی از یکدیگر و افزایش کیفیت‌های محیطی دارد. نگرش همسان در موضوعات به‌دلیل یکسانی در اندیشه‌های اسلامی، کار را در برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌ها هموارتر می‌کند و شناخت دقیق‌تری از ساکنان را در اختیار متخصصان قرار می‌دهد و تصمیمات را به‌سوی اهداف که همان کمال و سعادت بشری و سرمایه‌های کامیابی دنیوی و اخروی است جهت می‌بخشد. وجود سنت‌ها، پیشینه فرهنگی، رابطه متقابل و صمیمی با محیط اطراف و طبیعت و هم‌نوع دوستی در نگرش‌های اسلامی و ایرانی اجتماعات شهری را از افتراق و جدایی که ناشی از تفکر مدرن است رهایی بخشیده و روح جاودانی را در زندگی شهری می‌دمد.

با توجه به مفاهیم اجتماعی، همچون محرمیت، بهداشت، عدالت اجتماعی، امنیت، آسایش و آرامش و غیره که هم در آموزه‌های اسلام مورد تأکید قرار گرفته و هم در شهرسازی گذشته ایران اسلامی مورد توجه بوده است، می‌خوان در راستای تحقق بیانات مقام معظم رهبری و بستر سازی برای جامعه‌های هویت‌مند گام برداشت؛ لذا جایگاه مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی را می‌خوان طبق شکل ۱ نمایش داد.



شکل ۱. جایگاه مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

هر یک از مؤلفه‌ها اجتماعی در شهرسازی ایرانی-اسلامی از درجه اهمیت متفاوتی برخوردار است و بعضی مؤلفه‌ها ممکن است تمامی مؤلفه‌ها را در خود جای داده و یا حتی شکل‌دهنده آنان باشند. لذا مؤلفه‌ها متناسب با درجه اهمیت‌شان و بر اساس دیدگاه‌های اسلامی بررسی گردیده است.

بهداشت، بهداشت و امنیت دو مؤلفه هستند که در جامعه دیده نشده و احادیث اسلامی از آنها به انواع دو نعمت پنهان و ارزشمند یاد می‌کند. بهداشت در تکالیف اجتماعی و فردی بر موضوع بهداشت و سلامتی بسیار تأکید دارد زیرا روحی می‌نماید به تعالی و رشد بپردازد که در بدن سالمی قرار داشته باشد. در واقع این مؤلفه به مشارکت مردم در سطح فردی و اجتماعی نیاز دارد و از سویی نیاز به بهداشت اجتماعی سطح تعاملات اجتماعی را گسترش می‌دهد.

محرمیت: این مؤلفه با آسایش و امنیت مرتبط است و در سلامت بهداشت روانی جامعه تأثیر دارد و به‌عنوان عاملی برای چگونگی

تعاملات اجتماعی جامعه است.

عدالت اجتماعی: گسترش توانمندی‌های انسانی و فرصت‌های اجتماعی برابر برای همگان بوده که مفهوم آن با بخشش متفاوت است. شرایط برابر برای تأمین امنیت، بهداشت و مشارکت در زمره عدالت اجتماعی قرار می‌گیرد.

مشارکت مردمی: تعاریف و سطوح مشارکت در جوامع گوناگون متفاوت است. مشارکت در شهر اسلامی ایرانی در واقع در سطح مسجد جامع، مسجد محلی و ریش‌سفیدان رخ می‌دهد. مسجد به‌عنوان کانون فعالیت‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که معمولاً در کنار کانون‌های اقتصادی مانند بازارها قرار می‌گیرد مکان مشارکت و همکاری مسلمانان است و مردم از لحاظ فکری در کنار هم قرار می‌گیرند و محله مکان مشارکت‌های جمعی و گروهی ساکنان محلات است که این عامل حس تعلق ساکنان نسبت به مکان زندگی خود را برانگیخته و امنیت، آرامش، بهداشت و احترام به حریم ناشی از نظارت همگانی (نظارت مأموران حکومتی برای ایجاد امنیت موضوع دیگری است) ایجاد می‌کند و در واقع مشارکت سطح گسترده‌تری نسبت به تعاملات مردمی است.

امنیت: همان‌گونه که اشاره گردید امنیت نعمت پنهانی است که در صورت نبود نیاز شدید به آن احساس می‌شود. این عامل در شهرهای تاریخی (مانند برج و بارو، ساخت شهر بر روی کوه و غیره) بیشتر به‌چشم می‌آمده است. امنیت با آسایش و آرامش در ارتباط بوده و مشارکت مردم و تعاملات آنان در ایجاد امنیت نقش مهمی ایفا می‌کند. نبود امنیت مؤلفه‌هایی همچون حریمیت را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

تعاملات اجتماعی: تعاملات اجتماعی را می‌توان بخشی از مشارکت مردمی دانست در حالی که در بخش‌هایی تفاوت‌هایی باهم دارند. تعاملات مردمی در محله با در مورد همسایگان در واقع به همسنگی اهالی در تحقق سایر مؤلفه‌ها باری می‌رساند (به‌خصوص در سطح محلی) و شتاب‌دهنده‌ای برای آنان به‌حساب می‌آید.

آرامش و آسایش: نبود این مؤلفه کمبودهایی را در رفتارهای افراد ایجاد کرده و زندگی را برای فرد و جامعه دشوار می‌کند. این مؤلفه هم با امنیت و بهداشت در ارتباط است و از سویی مشارکت مردم سبب توجه به این مؤلفه می‌گردد. تعاملات اجتماعی همسایگان و هم‌محلی‌ها هم در تحقق و گسترش آرامش و آسایش افراد مؤثر است.

در جدول ۱ ارتباط مؤلفه‌ها با هم شناسایی شده است:

جدول ۱. ارتباط میان مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی اسلامی و ایرانی

| آرامش و آسایش | تعاملات اجتماعی | امنیت | مشارکت مردمی | عدالت اجتماعی | محرک امنیت | بهداشت | پیدا شد |
|---------------|-----------------|-------|--------------|---------------|------------|--------|-----------------|
| * | * | - | * | - | - | - | بهداشت |
| * | * | * | * | - | - | - | محرکیت |
| * | * | - | * | - | - | - | عدالت اجتماعی |
| * | * | - | - | * | * | * | مشارکت مردمی |
| * | * | - | - | - | * | - | امنیت |
| * | * | * | * | * | * | * | تعاملات اجتماعی |
| * | * | * | * | * | * | * | آرامش و آسایش |

(مأخذ: نگارندگان)

کالبد فیزیکی شهر متأثر از مفاهیم و معانی معنوی، اجتماعی و اقتصادی است که در بستر زمان و برای مردم شکل می‌گیرد. رویکرد شهرسازی اسلامی و ایرانی و توجه به مؤلفه‌های آن که نشأت گرفته از مضامین توحیدی، اتصال به سرچشمه معنوی امامت و بهره گرفته از نظریات شهری است، به‌دنبال ایجاد چارچوب‌های معنوی بر اساس اصول بیان شده بوده که پیکره اجتماعی شهر را بر اساس تفکرات الهی و اسلامی شکل می‌دهد و هدایت می‌کند. این مؤلفه‌ها مقبولیت زیادی در میان مردم دارد زیرا با اعتقادات آنان در آمیخته و به آنان آموزش داده شده است. لذا در شکل‌دهی فضای فیزیکی معماری و شهرسازی ابتدا باید چارچوب‌ها و مؤلفه‌های سازنده را شناسایی کرد و ارتباطات آنها را بررسی نمود و بر اساس این ساختارها باید اقدام به ساخت فضای فیزیکی شهرها نمود. مؤلفه‌هایی که در این مقاله به آنها اشاره گردیده، مؤلفه‌هایی است که از دیدگاه اسلامی و ایرانی بیشترین اهمیت را در شکل‌دهی رفتارها و فضاهای اجتماعی شهرها دارند و توجه و شناخت این مؤلفه‌ها از سطوح کلان و سیاست‌گذار برنامه‌ریزی شهری تا سطوح اجرایی‌تر طراحی شهری و معماری و طراحی صنعتی حائز اهمیت است و فضای اجتماعی شهرهای اسلامی و ایرانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. این مؤلفه‌ها نه تنها سبب شکوفایی تعاملات اجتماعی، عدالت اجتماعی، افزایش کیفیت‌های کلیدی، افزایش حس تعلق نسبت به محیط، هویت‌مندی و مشارکت مردم در امور شهر شده بلکه بر افزایش ارزش‌افزوده زمین، بازآفرینی محلات قدیمی شهرها و موضوعات اقتصادی هم تأثیر شایان توجهی دارد. شناخت مؤلفه‌های الگوی شهرسازی اسلامی و ایرانی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان مسائل شهری را از سردرگمی رهایی می‌دهد و آنچه برای حیات مادی و معنوی انسان حائز اهمیت است را معرفی می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Georg Simmel
۲. Max Weber
۳. Robert Ezra Park

۴. سوره ۷۷، آیه ۲۵

۵. عدم تشکیل حکومت و نظام مقتدر منجر به تفرقه و تشتت و ضعف مسلمانان می‌شود. در نتیجه ظالمان و مستکبران، مسلمانان را تحت سیطره ظلم و چپاول خود قرار می‌دهند؛ درحالی‌که یکی از اهداف و برنامه‌های مهم اسلام و قرآن نفی این سلطه و سیطره است. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: (وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ) (سوره هود، آیه ۱۱۲).

۶. سوره ۱۳، آیه ۱۱

۷. غرورالحکم، جلد ۷، ص ۲۲۶

۸. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالَّذِي عَصَىٰ كَمَ لَعَلَّكُمْ يَتَذَكَّرُونَ

۹. طلاق ۲ و رعد ۸.

۱۰. رحمن ۹ و انعام ۱۵۲.

۱۱. رجوع به امام علی (ع) می‌فرمایند «سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش» (تحف العقول، ص ۲۲۰) (غرورالحکم، جلد ۷، ص ۲۲۶).

۱۲. رعد، ۱۱

۱۳. حدود، ۲۵

۱۴. شورا، ۲۸

۱۵. تحف العقول، ص ۲۲۰

۱۶. نهج الفصاحه، ۱۲۷۷، ص ۲۶۸

۱۷. نهج الفصاحه، ۱۲۷۷، ص ۷۲۳

۱۸. سوره ابراهیم، آیه ۲۵

۱۹. غرورالحکم، ج ۹، ص ۹۱۰۹

۲۰. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۴۰

۲۱. غرورالحکم، ج ۱۵۵۲

۲۲. کافی، ج ۴، ص ۶۶۷

۲۳. اصول کافی جلد ۴ ص ۴۹۳ روایة ۱

۲۴. و ما زال جبرئیل (ع) یوصینی بالجار حتی ظننت أنه سیورته (نهج الفصاحه، ج ۴، ص ۴۶۷).

۲۵. اصول کافی، ج ۴ ص ۴۹۲

۲۶. اصول کافی جلد ۴ ص ۴۹۳ روایة ۱۴

۲۷. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۷۹ احادیث دیگری در این زمینه بیان شده که از آن میان می‌توان به اقوال الائمه، سید علی‌اکبر واعظ موسوی، ج ۶ ص ۱۲۲؛ جامع الاحادیث الشیعه، ج ۱۶، کتاب العشره باب ۸۷ اشاره کرد.

۲۸. نهج الفصاحه، ص ۱۱. احادیث دیگری در این رابطه بیان شده که می‌توانید به بحارالانوار، ج ۵۶ ص ۳۲۳؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۹؛ مشکوه الانوار، ص ۲۱۳ و مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۶۰.

۲۹. فیل از مسافرت بین همسفرت کیست و پیش از خرید خانه بین همسایجات کیست (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۳۰. زکات رفا، نیکی با همسایگان و صلح رحم است (غرر الحکم، ج ۵۵۲).

۳۱. رعایت حرمت همسایه همانند احترام مادر لازم است (کافی، ج ۲، ص ۶۶۶).

۳۲. شستن ظرف و جارو زدن جلو در منزل، باعث جلب روزی می‌شود (خصال، ص ۵۴ ج ۷۲).

۳۳. به من ایمان نیاورده است آن کس که شب سپر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد. به من ایمان نیاورده است آن کس که شب پوشیده بخوابد و همسایه‌اش برهنه باشد (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۷۹ ج ۹۸۹۷).

۳۴. خوش‌همسایگی شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند (کافی، ج ۲، ص ۶۶۷ ج ۸).

۳۵. نهج الفصاحه، ص ۲۵۸ و ۲۵۹.

۳۶. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۸۲.

۳۷. تحف العقول، ص ۲۲۰.

۳۸. بحار، جلد ۲۳، ص ۵۱ مکارم الاخلاق، ص ۶۵

۳۹. مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، ج ۱، ص ۲۳۹.

۴۰. یکی از مؤلفه‌هایی که هر کس در زندگی نداشته باشد کمبود محسوب می‌گردد، امنیت است (خصال، ص ۲۸۴).

۴۱. و جعل لكم من بیوتکم سکنا.

۴۲. عذاب الاعمال صدوق، ص ۶۴۸ (سبیری در رساله حقوق آیتالله قریب، ج ۲، ص ۸۹).

۴۳. (... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ بِكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ... (المائدة ۵، ۶)

۴۴. (... وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَيْكُمْ قَلْبَكُمْ وَ تَكُونُوا بِذَلِكَ مُتَذَكِّرِينَ (الأنفال ۸، ۱۱).

۴۵. تَنظَّفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ وَ لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا الْكَافُّونَ (مِيزَانُ الْحِكْمَةِ، ج ۲۰۲۲۲).

۴۶. غسل الآناء و كسح الفناء مجلبة للرزق؛ شستن ظروف و جارو کردن آستانه منزل مایه جلب رزق و روزی است (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۰۲۲۲).

۴۷. نهج الفصاحه، ج ۶۹۰

فهرست منابع

- Ansari, Mojtaba, Mahdavinejad, Mohammadjavad and Mahmoud Abedi (2012) "The Role of Historic and Heritage Wealth in Sustainable Tourism Development," **Asian Journal of Social Sciences & Humanities**, 1(3) 170- 177.
- Asghari, Seyed Mohammad (2011) "Concept, Fundamentals and Major Indicators: Social Justice from Islamic Revolution's Perspective," **2nd Book, Summit on Strategic Thoughts of Islamic-Iranian Model of Progress (Justice)**, Tehran: Secretariat for the Summit of Strategic Thoughts.
- Bi Azar Shirazi, Abdolkarim (1993) **The new jurisprudence-medical letter**, The office of publishing Islamic culture, Birjand: The medical science university of Birjand.
- Dodangeh, Zohreh (2010) **Urban Sociology Theories**, www.anthropology.ir. November 16th.
- Erfanian, Flora (2002) "Involvement and NGOs," In **Government, People and Convergence**. Compiled by Mohesn Fardrou and Asghar Rezvani, 1st Vol., Tehran: Nashre Aan.

- Fakouhi, Naser (2007) **Urban Anthropology**, 4th impression, Tehran: Ney.
- Fārābī, Abū Nasr Muhammad ibn Muhammad (1975) **Thoughts of People from Utopia**. Tr. Seyed Jafar Sajjadi. Tehran: Iranian High Council for Culture and Art.
- Fayyaz, Ebrahim (2002) "Structural Hurdles of Cultural Involvement Concerning History," In **Government, People and Convergence**. Compiled by Mohebn Fardrou and Asghar Rezvani, 1st Vol., Tehran: Nashre Aan.
- Global Information Channel of Imam Mahdi (Aj), **Characteristics of Islamic Utopia. Immune City**, www.imamalmahdi.com.
- Goli Zavvareh, Gholamreza (2005) **Neighbors' Rights in Prophet's (PBUH) Manner of Behavior and Speech**, Tehran: Kowthar. (61).
- Huntington and its Critics (1995) **The Clash of Civilizations Theory**, Tr. Mojtaba Amiri, Tehran: Bureau of International Political Studies.
- Imani Jajarmi, Hossein et al. (2002) **Sustainable Urban Management**, Tehran: The Organization for National Municipalities.
- John Scott, Allen (2004) **Global City-Regions**, Tr. Panfeh Lotfi Kazemi. Tehran: Processing and Urban Planning Company. Nourbakhsh and Seyed Akbar Mirhosseini. (Eds.). Tehran: Jungle Publications.
- Kamrani, Heshmatollah (1974) **A Criticism of Sociology**, Tehran: Shabgir.
- Khorasani, Abolfazl. (2005) **Life Health under the Shadow of the Quran**. Traditions and Modern Science, Qom: Arshe Andishe.
- Khosravi, Mohammad Bagher, Bemanian, Mohammad Reza and Mohammad Kazem Seifian (2013) "The Identity-Giving Role of "No-Damage Rule" in Forming the Islamic Model of Architecture," **Naqshejahan, Theoretical Studies and Modern Architecture and Urban Development Technologies**. 3(4) 19- 30.
- Kovsha, Mohammad Ali (2007) **The way of life and converses of the leaders**. Tehran: Negin.
- Little Steven, John (2005) **Communications Theory**. Ali Ghasem Nezhad Jamei, Seyed Morteza Norbakhsh. Tehran:Jungle.
- Mahdavinejad, Mohammadjavad (2003) "Islamic Art, Challenges with New Horizons and Contemporary Beliefs," **HONAR-HA-YE-ZIBA**, (12) 23- 32.
- Mahdavinejad, Mohammadjavad (2004) "Wisdom of Islamic Architecture: Recognition of Iranian Islamic Architecture Principles," **HONAR-HA-YE-ZIBA**, (19) 57- 66.
- Mahdavinejad, Mohammadjavad and Mohammad Mashayekhy (2011) "The Principles of Architectural Design of Mosques with Particular Reference to Socio-Cultural Activities," **Armanshahr**, 3 (5) 65- 78.
- Mahdavinejad, Mohammadjavad, Mohammadali Khabari and Reza Askari Moqadam (2011b) "Revitalization and the Iranian Contemporary Architecture after the Victory of Islamic Revolution," **Journal of Studies on Iranian-Islamic City**, 1 (2) 95- 102.
- Mahdavinejad, Mohammadjavad, Mohammadreza Bemanian and Neda Khaksar (2011a) "Architecture and Identity- Explanation of the Meaning of Identity in Pre-Modern, Modern and Post- Modern Eras," **Hoviateshahr**, 4 (7) 113- 122.
- Mahdipour, Mahmoud (2006) "The prophet and the big pamphlet of the rights, training behavior and health and hygiene of the environment the prophets point of view," **the manifest of community**, (28).
- Mahdizadeh, Javad (2003) **Strategic Planning of Urban Development**, Tehran: City Building and Architecture vice Presidency of the Ministry of Roads and Urban Development.
- Mazinani, Mohammad Sadegh (2009) **Payame Zan**, Special issues of the journal of Women and the Family, Year 8: 6(210), 6- 14.
- Molaei, Salahoddin and Sara Soleimani (2011) **Ōrāmān: A Part of Islamic Architecture and Urban Development of Iran**, First National Conference on Islamic Architecture and Urban Development.
- Motahhari, Morteza. (2002) **Notes**, Tehran: Sadra Publication.
- Nabavi, Seyed Abbas (2011) "The Position of the Fundamentals and Strategies of social Justice in the Islamic-Iranian Model of Progress," **2nd Book, Summit on Strategic Thoughts of Islamic-Iranian Model of Progress (Justice)**, Tehran: Secretariat for the Summit of Strategic Thoughts.
- Naghizade, Mohammad (2006) "A consideration of the transformation in the field of Iranian cities," **HONAR-HA-YE-ZIBA**, (25), 15- 24.
- Pakzad, Jahanshah (2010) **Articles on the Concepts of Architecture and Urban Design**, Tehran: Arman Sahhr.
- PourJafar, Mohammad Reza, Taghvaie Ali, and Sakineh Maroufi. (2012) "The Status of "Religious Islamic" Spaces in Contemporary Urban Development Plans; A review of Tehran's Comprehensive Plan and Detailed Plans of 5 Districts of Tehran, **Naghshe Jahan, Theoretical Studies and Modern Architecture and Urban Development Technologies**, 2(2) 19- 30.
- Pourjafar, Mohammadreza and Fahime Dehghani (2011) "Role of Cultural Landscapes Regeneration in the Enhancement of the Quality of Citizen Life," **Naqshejahan**, 1(1) 81- 94.
- Seifian, Mohammad Kazem and Mohammad Reza Mahmoudi. (2007) "Privacy in Iranian Traditional Architecture," Tehran: **City Identity**. 1(1),
- Shi'e, Esmail (1996) **An Introduction to the Fundamentals of Urban Planning**, Tehran: University of Science and Technology.
- Tabatabaiean, Seyed Habibollah and Reza Ghaderi (2010) "Islamic-Iranian Model of Progress. Whatness and Howness," **1st Book, Summit on Strategic Thoughts of Islamic-Iranian Model of Progress (Justice)**, Tehran: Secretariat for the Summit of Strategic Thoughts.
- Taji, Samad, Rezaie Negin, and Sepandokht Lipaie (2008) **The Image of Islamic Utopia in Islamic Texts. (the case of analyzing the features of Islamic Utopia in Ilkhanate Era)**, Conference of Tabriz Artistic School.